


Analysis and Explanation of the “Subject of the Crime” in Criminal Law: A New Approach to Its Nature, Dimensions, and Functions

 **Ghasem Eslaminia**

Assistant Professor, Department of Law, University of Zabol, Zabol, Iran.
(Corresponding Author)
geslaminia@gmail.com

 **Davoud Seifi**

Assistant Professor, Department of Law, University of Zabol, Zabol, Iran.
davoodseifi@gmail.com

 **Jalaluddin Ghiyasi**

Associate Professor, University of Qom, Qom, Iran.
jalalghiasi2001@yahoo.com



Abstract

In the realm of criminal law, the concept of the “Subject of the Crime” holds a central and fundamental position as an ontological and functional element. A precise examination of its dimensions is essential for a correct understanding of both legislative processes and judicial proceedings. Beyond being a mere component, this concept is recognized not only as an inseparable and indispensable part of the actus reus (material element) without which the physical realization of the criminal act is impossible but also plays a vital and decisive role in establishing the mens rea (mental element) or criminal intent. Specifically, proving criminal liability requires the perpetrator's knowledge of the subject of the crime and its characteristics. Furthermore, the subject of the crime serves as a full-view mirror of the social values the legislator intends to protect; thus, it holds a key position in explaining the quality of the crime and, ultimately, in determining punishment proportional to the extent of the violation of protected social values. Despite its undeniable importance, a long-standing challenge in this field is the lack of a comprehensive, consensus-based, and exclusive definition among jurists. Prominent figures in criminal law, such as George Fletcher, despite their deep insights, define the subject of the crime as the person or thing against whom the crime is committed. While accepted by many authors, this definition is insufficient for encompassing all instances, particularly in crimes

Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology

Iranian Law and Legal Research
Institute

Vol. 2 | No. 4 | Fall 2025 and
Winter 2026
(Original Article)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:
10.22034/jclc.2025.2074071.1266


committed directly against public order or general societal interests that lack a specific external instance (an individual or a tangible object). Adopting a critical-analytical approach, this article analyzes and critiques current definitions and highlights instances excluded from their scope, arguing that to provide a unified definition covering all angles, one must explain the common functional characteristics of the subject across various crimes. By filling the theoretical gap in general criminal law literature and explaining the neglected dimensions of this concept, this research attempts to provide a comprehensive definition emphasizing these common functional traits. It addresses the ontology and multiple functions of the concept in the law-making process, the precise determination of criminal liability, the mutual understanding of the concept by litigating parties in court, and its direct impact on the determination and execution of punishment. Finally, this applied research offers recommendations such as expanding academic discourse in universities, establishing a specialized institution titled the "Crime Subject Analysis Bureau", and conducting a targeted revision of penal code texts to enhance the efficiency and comprehensiveness of the criminal justice system regarding this fundamental concept.

Keywords: Subject of the Crime; Punishment; Material Element; Criminal Liability; Social Values.


پښتونستان د علومو انساني و مطالعات فرانسې
پرتال جامع علوم انساني




تحلیل و تبیین «موضوع جرم» در حقوق کیفری: رویکردی نوین به ماهیت، ابعاد و کارکردها

قاسم اسلامی نیا 

استادیار دانشگاه زابل، زابل، ایران (نویسنده مسئول)
geslamini@gmail.com

داود سیفی 

استادیار گروه حقوق دانشگاه زابل، ایران
davoodseify@gmail.com

جلال‌الدین قیاسی 

دانشیار دانشگاه قم، قم، ایران
jalalghiasi2001@yahoo.com



چکیده

در قلمرو حقوق کیفری، مفهوم «موضوع جرم» به‌عنوان یک عنصر هستی‌شناختی و کل‌کردی، جایگاهی کانونی و بنیادین دارد که بررسی دقیق ابعاد آن برای درک صحیح فرآیند قانون‌گذاری و رسیدگی قضایی ضروری است. این مفهوم فراتر از یک جزء ساده، نه‌تنها به‌عنوان جزء لاینفک و حتمی رکن مادی جرم شناخته می‌شود که بدون آن، تحقق فیزیکی عمل مجرمانه میسر نیست، بلکه نقشی حیاتی و تعیین‌کننده در احراز رکن معنوی یا قصد مجرمانه ایفا می‌کند؛ به‌نحوی که اثبات مسئولیت کیفری مستلزم علم مرتکب به موضوع جرم و ویژگی‌های آن است. علاوه بر این، موضوع جرم آینه‌ای تمام‌نما از ارزش‌های اجتماعی است که قانون‌گذار قصد حمایت از آن‌ها را دارد و از این‌رو، در تبیین کیفیت جرم و در نهایت، تعیین مجازات متناسب با میزان تعرض به ارزش اجتماعی مورد حمایت، جایگاهی کلیدی دارد. با وجود اهمیت غیرقابل‌انکار، یکی از چالش‌های دیرینه در این حوزه، فقدان یک تعریف جامع، مورد وفاق و مانع‌الجمع در میان حقوقدانان است. چهره‌های برجسته حقوق جزا، مانند جرج فلچر، علی‌رغم

دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و
جرم‌شناسی

پژوهشگاه حقوق و قانون ایران

دوره ۲ | شماره ۴ | پاییز و زمستان ۱۴۰۴
(مقاله پژوهشی)

www.jclc.illrc.ac.ir

DOI:

10.22034/jclc.2025.2074071.1266

ریزینی‌های عمیق، در تعاریف خود موضوع جرم را کسی یا چیزی می‌دانند که جرم علیه او ارتکاب می‌یابد؛ تعریفی که هرچند توسط بسیاری از مؤلفین پذیرفته شده است، اما برای دربرگرفتن تمامی مصادیق موضوع جرم، به‌ویژه در جرائمی که مستقیماً علیه نظم عمومی یا منافع کلی جامعه ارتکاب می‌یابند و مصادق خارجی مشخصی (فرد یا شیء) ندارند، کفایت نمی‌کند. این نوشتار با رویکردی انتقادی-تحلیلی، با تحلیل و نقد تعاریف رایج و اشاره به مصادیق خارج از شمول آن‌ها، استدلال می‌آورد که برای ارائه تعریفی واحد که تمامی زوایای این مفهوم را در برگیرد، باید به تبیین ویژگی‌های مشترک و کارکردی موضوع جرم در جرایم مختلف پرداخت. پژوهش حاضر، ضمن پر کردن خلأ نظری موجود در مباحث حقوق جزای عمومی و تبیین ابعاد مغفول این مفهوم، تلاش می‌کند با ارائه تعریفی جامع که بر این ویژگی‌های مشترک و کارکردی تأکید دارد، به هستی‌شناسی و کارکردهای چندگانه آن در فرآیند وضع قانون، تشخیص دقیق مسئولیت کیفری، کیفیت درک مفهوم توسط طرفین دعوا در دادگاه، و تأثیر مستقیمی که بر تعیین و اجرای مجازات دارد، بپردازد. در نهایت، این تحقیق کاربردی، پیشنهاداتی مانند توسعه مباحث آکادمیک در دانشگاه‌ها، تأسیس نهادی تخصصی تحت عنوان «ستاد موضوع‌شناسی جرائم» و بازنگری هدفمند در متون قوانین جزایی را جهت ارتقاء کارآمدی و جامعیت نظام حقوق کیفری در مواجهه با این مفهوم بنیادین ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: موضوع، جرم، مجازات، عنصر مادی

مقدمه

حقوق کیفری، در تلاش برای تحلیل و تبیین دقیق عناصر تشکیل‌دهنده جرم، رکن مادی را به اجزاء مختلفی تقسیم می‌کند. از جمله این اجزاء، "موضوع جرم" قرار دارد که در کنار ماهیت رفتار مجرمانه، وسیله مجرمانه، تأثیر زمان و مکان، شخصیت طرفین و نتیجه مجرمانه، از عناصر کلیدی رکن مادی محسوب می‌شود. (منصورآبادی، ۱۳۸۳، صص ۱۳۰-۱۳۲) با این حال، برخلاف برخی دیگر از اجزاء که مختص جرایم خاصی هستند، موضوع جرم را می‌توان در زمره مفاهیم عام و فراگیری دانست که در تمامی جرایم، اعم از عمومی و اختصاصی، حضور دارد. (حبیب زاده، ۱۳۸۹، ص. ۳۴۰) علی‌رغم این حضور فراگیر، به نظر می‌رسد پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین جزء مادی جرم، همین "موضوع جرم" و مکانیسم احراز آن است.

بیان مسئله و اهمیت تحقیق

طرح موضوع جرم در مباحث مربوط به عنصر مادی و معنوی جرم، دو هدف غایی را دنبال می‌کند: اول، تعیین محدوده‌ی جرم مفروض برای اثبات وقوع آن؛ و دوم، احراز مسئولیت مرتکب بر اساس چارچوب قانونی. با این حال، موضوع جرم به تنهایی قادر به تمایز جرایم از یکدیگر نیست، چرا که یک امر واحد ممکن است در شرایط متفاوت، موضوع جرایم گوناگونی قرار گیرد (مانند مال که می‌تواند در جرایمی چون سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و... موضوعیت یابد). از این رو، هر جرمی موضوع خاص خود را دارد که با در نظر گرفتن شرایط مرتبط با آن، از سایر جرایم متمایز می‌گردد. (پور بافرانی، ۱۳۹۶، ص ۵۴) در عنصر معنوی نیز، علم مرتکب به موضوع جرم، شرط اساسی تحقق رکن معنوی در جرایم عمدی است و جهل یا تردید معقول نسبت به آن، منتفی‌کننده این رکن خواهد بود.

مشکل اصلی در این حوزه، فقدان اتفاق نظر کلی میان حقوقدانان در خصوص تعریف جامع و مانع "موضوع جرم" و مکانیسم تعیین آن است. این ابهام موجب شده است که بسیاری از صاحب‌نظران، به جای بحث مستقل و عمومی پیرامون موضوع جرم، تنها در مقام تشریح عناصر اختصاصی جرایم، به صورت موردی به آن اشاره و یا حداکثر تعریفی

محدود و مضیق از موضوع جرم را برای خواننده ارائه دهند، بدون آنکه به چیستی و چگونگی تعیین آن در مفهوم کلی بپردازند. به عبارتی تعاریف موجود اغلب یا به قدری وسیع هستند که رکن مادی و معنوی را در بر می‌گیرند (محسنی ۱۳۸۲، ص ۲۳۲) و موضوع جرم را علت تامه حکم تلقی می‌کنند، یا آنقدر محدود که تنها ناظر به بزه دیده یا شیئی هستند که جرم علیه او واقع شده و صدمه دیده است. (حبیب زاده ۱۳۸۹، ص ۱۰۰) این در حالی است که مصادیقی چون نگهداری اسلحه (که خود ابزار جرم است) یا سهل‌انگاری در فرار زندانی (که در آن، زندانی منتفع از جرم است)، نشان می‌دهند که موضوع جرم می‌تواند ماهیت‌های متنوع‌تری داشته باشد و صرفاً محدود به قربانی مستقیم جرم نیست.

پیشینه تحقیق

در بررسی ادبیات حقوق کیفری ایران، مشاهده می‌شود که تحقیقات صورت گرفته پیرامون ارکان جرم، عمدتاً بر رکن مادی (فعل یا ترک فعل) و رکن معنوی (قصد مجرمانه) متمرکز بوده‌اند. با وجود اینکه مفهوم موضوع جرم به عنوان ارزش مورد حمایت قانونگذار، زیربنای فلسفی و ماهوی هر جرمی را تشکیل می‌دهد، پژوهش‌های آکادمیک تخصصی که به صورت جامع و مستقل به تبیین این مفهوم کلی در چارچوب حقوق کیفری ایران بپردازد، تاکنون صورت نپذیرفته است. این مقاله در صدد است تا با تمرکز بر این خلاء پژوهشی، به تحلیل جایگاه نظری و عملی مفهوم موضوع جرم بپردازد. لذا نوآوری این پژوهش در موارد زیر تجلی می‌یابد:

- شناسایی و تبیین ویژگی‌هایی که در شناخت دقیق موضوع جرم و تفکیک آن از سایر اجزاء جرم (به ویژه شرایط و اوضاع و احوال جرم) مؤثرند.
- اثبات این مدعا که تعاریف رایج، غالباً صرفاً بر اساس مصادیق جرایم خاص در حقوق جزای اختصاصی شکل گرفته‌اند و جامعیت لازم را ندارند.
- بررسی تأثیرات چندوجهی موضوع جرم بر فرایندهای تقنینی و قضایی، از جمله کیفیت احراز وقوع جرم و تعیین میزان مجازات

- استدلال بر این نکته که موضوع جرم، در کنار سایر عوامل، یکی از معیارهای کلیدی در انتخاب مجازات متناسب با جرم است.

طرح کلی تحقیق

این نوشتار ابتدا به تحلیل و نقد تعاریف موجود از موضوع جرم در حقوق کیفری خواهد پرداخت. سپس، با استناد به مصادیق متنوع، ویژگی‌های بنیادین و تعیین‌کننده موضوع جرم را تبیین نموده و تلاش خواهد کرد تا چارچوبی جامع برای شناخت آن ارائه دهد. در نهایت، تأثیر این مفهوم بر جنبه‌های مختلف قانونگذاری و دادرسی کیفری، به ویژه در تعیین مسئولیت و مجازات، مورد واکاوی قرار خواهد گرفت.

۱. کاربرد عمومی و موسع "موضوع جرم" در مباحث فقهی-حقوقی

تحلیل مفهوم "موضوع جرم" در ادوار مختلف تألیفات حقوقی و فقهی، با طیفی از تعبیر مواجهه است که گاه موجب ابهام و حتی تضاد در برداشتها شده است. در برخی از این دیدگاه‌ها، اصطلاح "موضوع جرم" به صورت کلی، ناظر به تمامیت جرم با تمامی ارکان و عناصر تشکیل‌دهنده‌ی آن به کار رفته است؛ به گونه‌ای که گویی خود جرم، موضوع حکم کیفری قرار می‌گیرد. در این راستا، ممکن است اندیشمندی، در حالی که خود نسبت به سایر ارکان رکن مادی (مانند ماهیت رفتار فیزیکی یا نتیجه مجرمانه) اشراف دارد، اصطلاح "موضوع جرم" را به معنای کلی جرم به کار برد (آقایی نیا، ۱۳۹۵، ص ۳۴).

در تعبیری دیگر، "موضوع جرم" امری تلقی شده است که حکم قانونی (مجازات) معلول آن است و بدون احراز این موضوع، صدور هیچ حکمی امکان‌پذیر نخواهد بود (محقق داماد، ۱۳۸۴، ص ۶۳). با این حال، همین نویسنده در ادامه، با طرح بحث "شبهه موضوعیه"، تعریفی مضیق‌تر ارائه داده و به عنوان مثال، "موضوع شرب خمر" را صرفاً "خمر" می‌داند (همان، ص ۵). این تفاوت برداشت در آثار یک اندیشمند، نشان‌دهنده‌ی تلاطم مفهومی در خصوص "موضوع جرم" است؛ چرا که وی گاه موضوع جرم را در تقابل با حکم (مجازات) قرار می‌دهد و در مواردی دیگر، آن را به عنوان بخشی از رکن مادی جرم در نظر می‌گیرد.

برخی حقوقدانان نیز در تشریح ماده ۵۱۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، رکن مادی جرم را مترادف با موضوع جرم دانسته‌اند (پیمانی، ۱۳۸۰، ص ۵۵). در این رویکرد، موضوع جرم به عنوان «علت حکم» شناخته می‌شود و صدور حکم، منوط به تشخیص و احراز آن تلقی می‌گردد. نقد اساسی وارد بر این برداشت، عدم تفکیک میان «جرم» و «موضوع آن» است. در حالی که برای تحقق فعل مجرمانه، نیازمند عاملی هستیم که رفتار مجرمانه به آن تعلق می‌گیرد و آن را «موضوع جرم» می‌نامیم؛ جرم، خود حاصل تحقق این رفتار بر موضوع است. در حوزه آیین دادرسی کیفری، اصطلاح «موضوع جرم» علاوه بر این که گاهی به شرح مختصری از جرم واقع شده اشاره دارد؛ ناظر به نوع جرم ارتكابی و عنوانی است که قانونگذار برای آن جرم برگزیده است (آخوندی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۳). علاوه بر این، مفهوم «موضوع جرم» در معنای موسع‌تر، در دو بحث مهم فقهی و حقوقی کاربرد دارد:

• اشتباه موضوعی (شبهه موضوعیه):

با پذیرش لزوم وجود عنصر روانی (عمد و علم) در جرایم عمدی، هرگونه عامل یا وضعیتی که مانع شکل‌گیری این رکن شود، قاعدتاً منجر به نفی مسئولیت کیفری مرتکب می‌گردد (قیاسی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۵، قیاسی، ۱۳۸۸، ۱۳۳۳). شبهه موضوعیه، در واقع، ناشی از فقدان عنصر روانی نسبت به ماهیت عنصر مادی جرم است. در حالی که موضوع جرم به معنای اخص، جزئی از رکن مادی است و جهل نسبت به آن می‌تواند تشکیل‌دهنده شبهه موضوعیه باشد، اما این مفهوم محدود به جهل به موضوع جرم نیست. ممکن است فرد، با وجود علم به موضوع جرم، نسبت به سایر ارکان رکن مادی (مانند ماهیت رفتار یا نتیجه مجرمانه) جاهل باشد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۵، ص ۳۴).

• موضوع‌شناسی در فرایند تقنین و استنباط:

یکی از مقدمات ضروری برای وضع هر حکم شرعی یا قانونی، آگاهی و شناخت همه‌جانبه از موضوعی است که قرار است حکم بر آن بار شود. به عبارت دیگر، شناخت حکم، کاملاً متأثر از شناخت موضوع است و هرچه معلومات فقیه یا قانونگذار نسبت به موضوع، عمیق‌تر باشد، اعتبار حکم نیز افزایش می‌یابد (فناپی، ۱۳۷۴، ص ۸۷). بدون شناسایی دقیق موضوع، فهم حکم نیز ناتمام خواهد بود. مخصوصاً امروزه

“موضوع‌شناسی” به عنوان یک حوزه مطالعاتی مستقل، جایگاه ویژه‌ای در پژوهش‌های فقهی و حقوقی یافته است. در گذشته، با توجه به عرفی بودن غالب موضوعات و دسترسی آسان به ابعاد آن‌ها، شناخت موضوع با مطالعه‌ای نسبتاً مختصر حاصل می‌شد. اما در عصر حاضر، با گسترش علوم و پیچیدگی تعاملات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، موضوعات جدید و متغیری ظهور کرده‌اند که نیازمند تخصص ویژه‌ای برای شناسایی دقیق ابعاد و حدود آن‌ها هستند. تا زمانی که این شناسایی به درستی انجام نپذیرد، امکان استنباط صحیح و دقیق حکم فراهم نخواهد آمد. به عنوان مثال، در مواجهه با جرایم اینترنتی، لازم است با مطالعات موضوع‌شناسانه، ارتباط این جرایم با مفاهیم سنتی حقوق کیفری مشخص شود تا بتوان حدود و چارچوب‌های حاکم بر آن‌ها را تعیین کرد. این امر به فقیهان و حقوقدانان کمک می‌کند تا دریابند آیا مفاهیمی چون “هتک حرز” در سرقت‌های رایانه‌ای قابل تصور است یا خیر (مبلغی، ۱۳۸۴، ص ۷۱). بر این اساس، آشکار می‌شود که “موضوع جرم” به معنای اخص، تنها یکی از مصادیق متعدد “موضوع‌شناسی” است و موضوع اصلی این نوشتار، که به بررسی و تبیین آن خواهیم پرداخت، همین مصداق خاص و مرتبط با رفتار مجرمانه می‌باشد.

۲. تبیین جایگاه “موضوع جرم” در تحلیل رکن مادی: از بزه دیده تا ارزش‌های مورد حمایت

پس از بررسی کارکردهای موجود در تعریف کلی “موضوع جرم”، لازم است تا با کاوشی دقیق‌تر در نظام حقوقی، موقعیتهای متنوع این مفهوم را تبیین نموده و دیدگاه‌های مختلف را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

۱-۲. متضرر مستقیم جرم

بر اساس شایع‌ترین و گسترده‌ترین تعریفی که جنبه مادی و واقعی جرم را مد نظر قرار می‌دهد، “موضوع جرم” چیزی یا کسی است که رفتار مجرمانه علیه او صورت می‌گیرد (صادقی، ۱۴۰۴، ۳۹) و زیان یا نقص کلی یا جزئی به آن وارد می‌شود (فلچر، ۱۳۸۴، ص ۸۹؛ آقایی نیا، ۱۴۰۲، ۲۵). این تعریف، به ظاهر، “موضوع جرم” را با “متضرر از جرم” یکی می‌انگارد. اما این انطباق همیشگی نیست. زیرا در بسیاری از موارد، میان “موضوع جرم” به معنای مادی و “کسی که ضرر متحمل می‌شود” تمایز وجود دارد. برای مثال، در جرم قاچاق کالا، موضوع جرم، خود کالا است؛ اما این کالا ممکن است با

قاچاق، ارزشی دوچندان نیز پیدا کند. در حالی که شخص یا جامعه‌ای که از این قاچاق متضرر می‌شود (مثلاً به دلیل برهم خوردن نظم اقتصادی یا رقابت ناسالم)، متفاوت از خود کالا است. در جرایم محیط زیستی نیز، «موضوع جرم» خود محیط زیست است، اما «بزه دیده» یا متضرر اصلی، کل جامعه محسوب می‌شود. این تمایز نشان می‌دهد که «موضوع جرم» لزوماً همان «متضرر» نیست، بلکه عنصری مادی است که رفتار مجرمانه به آن تعلق می‌گیرد.

۲.۲. سلب حق یا ارزش مورد حمایت قانونگذار: رویکردی انتزاعی

هر جرمی، در ذات خود، حقوقی را نقض می‌کند؛ لذا می‌توان «موضوع جرم» را به اعتبار حق سلب شده تعریف نمود. (الهی‌منش و مرادی اوجقاز، ۱۴۰۴، ۶۵) طبق این دیدگاه، موضوع جرم، حقی است که مجرم در پی خدشه‌دار کردن یا سلب آن است (حسنی، ۱۹۸۴م، ص ۳۸۷). به عنوان مثال، وجه مشترک جرایم علیه اموال، نقض حقوق مالکانه اشخاص است. بنابراین، موضوع این جرایم، «حقوق مالکانه» تلقی می‌شود. این رویکرد، مبنای تقسیم‌بندی جرایم به دسته‌هایی چون جرایم علیه اشخاص، اموال، امنیت و... قرار گرفته است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۶، ص ۲۱). با این حال، این تعریف با اشکالاتی مواجه است:

- کلی و انتزاعی بودن: این دیدگاه، ما را به سمت «علت جرم‌انگاری» هدایت می‌کند که لزوماً در نص ماده قانونی به آن اشاره نشده است. حق مورد حمایت ممکن است امری استنباطی یا درک‌کردنی باشد. برای مثال، در جرم جعل، موضوع مادی، سند یا نوشته است؛ اما حق مورد حمایت، «اعتماد عمومی به صحت اسناد» یا «امنیت مبادلات اقتصادی» است.
- اختلاف نظر در فهم حق: از آنجا که فهم حق مورد حمایت، امری کلی و تفسیری است، احتمال بروز اختلاف نظر در برداشت از آن وجود دارد.
- عدم تناسب با علم مجرم: هنگامی که سخن از «علم مجرم به موضوع جرم» به میان می‌آید، منظور، علم به حق مورد حمایت قانونگذار نیست، بلکه علم به موضوع مادی است که جزء رکن مادی محسوب می‌شود. این موضوع مادی، باید به گونه‌ای

باشد که نسبت به همه، یکسان فهمیده شود تا اصل "جهل به موضوع رافع مسئولیت" قابل اجرا باشد.

گاه نیز به جای "حق"، از "ارزش مورد حمایت قانونگذار" سخن گفته می‌شود (آقایی نیا، ۱۴۰۲، ص ۲۵). این تعبیر، به ویژه در جرایم "حق‌الله" (مانند زنا یا شرب خمر) کاربرد دارد که جنبه معنوی داشته و به اخلال در نظم اخلاقی و دینی جامعه برمی‌گردد. در اینجا، "موضوع جرم" به مفهومی انتزاعی چون "حرمت‌شکنی" یا "تقص اوامر الهی" نزدیک می‌شود. اشکال اصلی این برداشت نیز ذهنی، کلی و مجرد بودن "ارزش" است که ممکن است محصول تفسیر باشد تا نص قانون.

حقوقدانان مصری، برای رفع این اشکالات، بر مفهوم "منافع حقوقی محافظت‌شده" یا "ارزش‌های اجتماعی مورد حمایت قانون" تأکید می‌کنند (نجیب حسنی، ص ۳۸۷). آنان، همانند نظام حقوقی فرانسه، میان "موضوع مادی جرم" (مانند مال مسروقه) و "موضوع حقوقی جرم" (مانند حق مالکیت) تمایز قائل می‌شوند. با این حال، اشکال تعیین موضوع به این شیوه آن است که شناخت موضوع، ابتدائاً مستلزم تعیین حق مورد حمایت است که خود واجد اشکالات پیش‌گفته است.

۲-۳. ابزار جرم به مثابه موضوع جرم

در برخی جرایم، ابزار ارتکاب جرم، خود به عنوان "موضوع جرم" تلقی می‌شود؛ به این معنا که هدف بلاواسطه مجرم در ارتکاب جرم، تحصیل یا استفاده از همان ابزار است. نقش وسایل و ابزار در جرایم متفاوت است:

۱. نقش خنثی: گاه داشتن ابزار، تأثیری بر سرنوشت کیفری ندارد (مانند طنابی که سارق همراه دارد).

۲. کیفیت مشدده مجازات: استفاده از برخی ابزارها، مجازات را تشدید می‌کند، اما داشتن آن‌ها در حالت عادی جرم نیست. (مانند استفاده از وسیله نقلیه در آدم‌ربایی).

۳. جرم بودن همراه داشتن ابزار: استفاده از ابزاری که حمل آن نیز به خودی خود جرم است (مانند اسلحه در سرقت)، موجب تشدید مجازات می‌شود.

۴. ابزار شرط تحقق جرم (اما نه موضوع آن): در این حالت، ابزار وسیله‌ای برای رسیدن به موضوع جرم است، نه خود موضوع. به عنوان مثال قانونگذار افشاء اسرار را جرم تلقی نموده است که از طریق حرفه و شغل در اختیار مرتکب قرار بگیرد. (آذربایجانی و عبدالله خانی، ۱۴۰۴، ۳۸)

۵. ابزار به عنوان موضوع جرم: در مواردی، ابزار هم وسیله است و هم خود موضوعیت دارد؛ یعنی تحصیل و در اختیار داشتن آن برای مجرم اهمیت دارد. مانند ساخت کلید برای سرقت؛ در اینجا کلید هم وسیله است و هم «موضوع جرم» محسوب می‌شود، زیرا نفس تحصیل آن دارای اهمیت است.

۲-۴. شخص منتفع از جرم

در موارد معدودی، برخلاف قاعده کلی، شخصی که از وقوع جرم منتفع می‌شود، «موضوع جرم» تلقی می‌گردد. جرم در راستای منافع او ارتکاب می‌یابد. به عنوان مثال، در ماده ۵۴۸ قانون مجازات اسلامی، در خصوص اهمال مأمور مراقب زندانی که منجر به فرار وی شود، زندانی فراری، «موضوع جرم» محسوب می‌شود. در این حالت، ارتکاب رفتار مجرمانه (اهمال) به نفع زندانی تمام می‌شود و نظام قضایی (به عنوان بزه دیده) با زندانی (به عنوان موضوع جرم) متفاوت است.

۲-۵. وقوع جرم دیگر به مثابه موضوع جرم

بر اساس ماده ۶۰۶ قانون مجازات اسلامی، روسا، مدیران و مسئولین سازمان‌هایی که از وقوع جرایم ارتشاء، اختلاس، کلاه‌برداری و... در سازمان تحت نظارت خود مطلع شده و مراتب را اعلام ننمایند، مجازات می‌شوند. در این حالت، رفتار مجرمانه، ترک فعل است و موضوع آن، «وقوع جرم ارتشاء و اختلاس» در سازمان‌های مذکور می‌باشد.

با توجه به تنوع و گستردگی این جایگاه‌ها، ارائه یک تعریف واحد و جامع از «موضوع جرم» که در تمامی موارد صدق کند، تا حدودی دشوار است. لذا، بهترین رویکرد آن است که در تشریح عناصر اختصاصی هر جرم، «موضوع آن جرم» به صورت مشخص تبیین گردد. احتمالاً همین پیچیدگی و عدم امکان ارائه‌ی تعریفی ثابت است که برخی نویسندگان حقوق جزای عمومی، از تعریف کلی «موضوع جرم» به عنوان یکی از ارکان ثابت عنصر مادی اجتناب کرده و تنها به مشخص نمودن موضوع در جرایم خاص بسنده نموده‌اند.

در ادامه، رویه دکترین حقوقی ایران در خصوص "موضوع‌شناسی" ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی را مورد بررسی و نقد قرار خواهیم داد.

۳. تحلیلی بر همسان‌پنداری بزه‌دیده و موضوع جرم در تعیین موضوع جرم در ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی

در پرونده‌ی حقوقی، گاه تعریفی که از "موضوع جرم" ارائه می‌شود، می‌تواند سرنوشت پرونده را دگرگون سازد. در ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، با یکی از این چالش‌های مفهومی روبرو هستیم: آیا در جرم "تحصیل سند از طریق سوء استفاده از ضعف نفس اشخاص غیر رشید"، موضوع جرم، "مال" است یا "شخص غیر رشید"؟ کتاب "تحلیل جرائم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران"،^۱ که توسط نشر دادگستر به چاپ رسیده، با اتکا بر استدلال‌هایی، "شخص محجور" را موضوع این جرم معرفی می‌کند. متن حاضر به بررسی این استدلال‌ها و چگونگی تطبیق آن با اصول حقوق کیفری می‌پردازد. برای کشف موضوع جرم در ماده ۵۹۶ بر اساس معیار این نوشتار و نقد کتاب فوق‌الذکر ابتدائاً به مرور ماده ۵۹۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰ می‌پردازیم.

«هر کس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوائج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی... به هر نحو تحصیل نماید، علاوه بر جبران خسارت مالی به حبس... محکوم می‌شود.»

۱-۳. استدلال نویسندگان و نقد آن:

نویسنده این کتاب، بر اساس چهار محور اصلی، ادعای خود را مبنی بر اینکه موضوع جرم، شخص محجور است، مطرح می‌کنند.

۱. تمایز با جرائم علیه اموال: استدلال می‌شود که در جرایم علیه اموال، موضوع جرم "مال" است و وجه مشترک این جرایم، نقض حقوق مالکانه است. حال آنکه در جرم ماده ۵۹۶، موضوع، "شخص محجور" است (حبیب زاده، ص ۲۴۳).

^۱ دکتر محمدجعفر حبیب‌زاده، استاد ممتاز و چهره‌ای محترم در عرصه حقوق کیفری و جرم‌شناسی کشور، با سابقه‌ای درخشان در دانشگاه تربیت مدرس، نه تنها به دلیل عمق دانش خود بلکه به سبب متانت و سعه صدرشان همواره مورد تکریم بوده‌اند؛ و نگارنده این نقد، با احترام عمیق به مرتبه علمی و شخصیت ایشان، صرفاً به نقد محتوایی یکی از مقالات ارزشمندشان پرداخته است تا به سهم خود، در تعالی این دانش والا سهیم باشد.

تحلیل استدلال: استدلال مزبور در نگاه اول نفس ادعا را به عنوان دلیل مطرح نموده است؛ اما ظاهراً نویسنده هدف مشخصی از طرح آن داشته است. رفتار مجرمانه بر تحصیل سند متمرکز شده است، اما علت مجزا شدن این جرم از جرایم اموالی، تمرکز حمایت بر وضعیت «شخص محجور» است که سند علیه او به کار می‌رود. این بدان معناست که هرچند در نهایت جرم ارتكابی به اخذ سند مالی منتهی می‌گردد اما در عین حال ماهیت اصلی حمایت، متوجه حفظ موقعیت و نقص اهلیت محجور است.

۲. مطلق یا مقید بودن جرم: بیان می‌شود که جرائمی مانند خیانت در امانت، سرقت و کلاهبرداری، مقید به نتیجه هستند، در حالی که جرم مورد نظر (ماده ۵۹۶) مطلق است (همان).

تحلیل استدلال: تعیین مطلق یا مقید بودن جرم، به ماهیت عنصر مادی و تحقق نتیجه مترتب بر رفتار (تحصیل سند) بستگی دارد، نه به موضوع جرم. با توجه به اینکه قانون‌گذار، صرف وقوع عمل «تحصیل سند» را با سوءاستفاده کافی دانسته است، جرم مطلق است. در واقع تفکیک جرم مطلق از مقید هر چند که به فهم ماهیت رفتار کمک می‌کند، اما موضوع جرم را مستقیماً تعیین نمی‌کند.

۳. نقش شخصیت بزه دیده: گفته می‌شود که در جرم ماده ۵۹۶، «شخصیت بزه دیده» در وقوع جرم مؤثر است، در حالی که در کلاهبرداری، شخصیت بزه دیده، کیفیتی مشدده است (همان).

تحلیل استدلال: در بسیاری از جرایم، شخصیت بزه دیده عاملی مؤثر است (مانند شغل یا سمت)، اما لزوماً موضوع جرم نیست. با این حال، در مورد ماده ۵۹۶، محجوریت، صرفاً یک وصف نیست؛ بلکه شرط تحقق عنصر مادی خاص این جرم است. این ضرورت ماهوی بزه دیده است که وی را از موضوع جرایم اموالی متمایز می‌کند. در واقع اگرچه محجوریت وصف است، اما در این مورد، وصف مذکور چنان در ساختار جرم تنیده شده است که شخص محجور را به عنوان کانون حمایت حقوقی، موضوع این جرم قرار می‌دهد.

۴. عدم ضرورت عنوان جزایی جداگانه: استدلال می‌شود که برای حمایت از اموال اشخاص محجور، عناوین جزایی دیگری وجود دارد و اموال آنان از همان احترام اموال دیگران برخوردار است، لذا نیازی به وضع عنوان جزایی جداگانه نیست (همان).

تحلیل استدلال: منظور نویسنده آن است که اگر ماده ۵۹۶ وجود نداشت، حمایت کیفری از اموال محجورین با محوریت محجور در این ماده، با سایر مواد قانونی میسر نبود. بنابراین، قانون‌گذار با وضع این ماده، خلأ قانونی را پر کرده است.

۲-۳. تضارب دیدگاهها: از رویکرد عینی تا رویکرد اعتباری

با صرف نظر از استدلال‌های فوق و با در نظر گرفتن عمق موضوع، بر اساس دیدگاه اول که با رویکردی عینی موضوع را تحلیل می‌نماید موضوع جرم در ماده ۵۹۶، اسناد مالی محجورین است، نه خود ایشان زیرا:

۱. هدف بلاواسطه مجرم: هدف اصلی و بلاواسطه مجرم، تحصیل اسناد مالی است. محجور، ابزاری است که مجرم از طریق سوء استفاده از وضعیت او، به هدف خود می‌رسد.

۲. وقوع جرم بر اسناد: جرم در واقع بر روی "اسناد مالی" واقع می‌شود، نه بر "شخص محجور". اثبات محجوریت، شرط لازم برای تحقق این جرم است، اما خود محجور، موضوع اصلی جرم نیست.

۳. انطباق با جرایم علیه اموال: الحاق این جرم به جرایم علیه اموال، کاملاً صحیح به نظر می‌رسد. قانون‌گذار، جامعه را نسبت به اموال محجورین امین فرض کرده است و از این امانت‌داری حمایت می‌کند.

۴. بر اساس دیدگاه دوم که یک رویکرد اعتباری به موضوع جرم محسوب می‌گردد این احتمال نیز وجود دارد که اگر موضوع جرم صرفاً مال بود، سایر مواد برای حمایت کیفری از آن کفایت می‌کردند. همین امر نشان می‌دهد که قانون‌گذار به دلیل آسیب‌پذیری خاص شخص محجور در فرآیند معامله یا تحصیل سند، مجازات و حمایت ویژه‌ای را پیش‌بینی کرده است. در واقع با استدلال‌های نویسنده بر اساس دقت‌های لازم، روشن می‌شود که اگر چه جرم بر اساس تحصیل سند شکل می‌گیرد و محجوریت یک وصف است، اما به دلیل آنکه این حمایت جنبه حمایتی ویژه از صلاحیت و اهلیت شخص دارد و قانون‌گذار برای آن، عنوان مجزا وضع نموده

- است، موضوع اصلی جرم، شخص محجور است که در وضعیت ضعف و نیاز به حمایت ویژه قرار دارد. برای تقویت این رویکرد مذاقه در عناصر ذیل ضروری است:
۵. کانون حمایت قانونگذار: در این ماده، مقصود اصلی قانونگذار، حمایت از وضعیت اهلیت و محدودیت‌های حقوقی شخص محجور در برابر هرگونه سوءاستفاده است. این وضعیت، همان «کانون حمایت مستقیم» است که در تعریف ارائه شد.
۶. واقع شدن رفتار مجرمانه: رفتار مجرمانه (تحصیل سند یا انجام معامله) مستقیماً بر این وضعیت حمایتی (یعنی سلب یا محدودیت اهلیت تصرف) واقع می‌شود و با تحقق آن، این حمایت نقض می‌گردد.
۷. هدف اصلی و غایی: اگرچه ابزار جرم سند است، اما هدف نهایی و علت جرم‌انگاری، صرفاً حمایت از خود سند به عنوان یک شیء مادی نیست؛ بلکه حفاظت از منافع و سرپرستی محجور است که هدف اصلی و غایی تحقق جرم را تشکیل می‌دهد. در نتیجه، هرچند رفتار بر سند واقع می‌شود، موضوع جرم که تعیین‌کننده ماهیت حمایتی و هدف قانونگذار است، شخص محجور می‌باشد.

در عین حال به نظر می‌رسد که اگر این جرم را در زمره جرایم علیه اشخاص قرار دهیم، با یک اشکال اساسی روبرو خواهیم شد: چه سنخیتی میان «تحصیل سند از اشخاص محجور» با جرایمی چون قتل، ضرب و جرح، یا توهین وجود دارد؟ در جرایم علیه اشخاص، مستقیماً به شخص آسیب وارد می‌شود، در حالی که در ماده ۵۹۶، تمرکز بر تحصیل اموال از طریق سوء استفاده از وضعیت فرد است. در ادامه این بحث، به ویژگی‌های مشترک حاکم بر موضوع جرم در جرایم مختلف خواهیم پرداخت تا بتوانیم به یک تعریف عام و قابل انطباق بر همه جرایم دست‌یابیم.

۳-۳. ویژگی‌های مشترک موضوع جرم: به سوی تدوین تعریفی جامع

پس از بررسی تعاریف پراکنده از «موضوع جرم»، می‌توان به مجموعه‌ای از ویژگی‌های مشترک دست یافت که در تدوین یک تعریف جامع و مانع، ما را یاری می‌رسانند. این ویژگی‌ها عبارتند از:

۱. بخشی از رکن مادی جرم: موضوع جرم، معمولاً جزئی از رکن مادی جرم را تشکیل می‌دهد. این بخش می‌تواند شیء یا شخصی باشد که جرم علیه، له، به واسطه یا توسط او اتفاق می‌افتد.

۲. قابلیت برداشت از عنصر قانونی: موضوع جرم، چه جنبه مادی داشته باشد (مانند مال در سرقت) و چه جنبه معنوی (مانند آبرو در جرم قذف و توهین)، از عنصر قانونی جرم قابل برداشت است. بنابراین، موضوع جرم می‌تواند مادی یا معنوی باشد.

۳. تفاوت با شرایط و اوضاع و احوال جرم: موضوع جرم از شرایط و اوضاع و احوالی که برای تحقق جرم ضرورت دارد، متمایز است. البته در برخی موارد، شرایط و اوضاع و احوال، خود جزئی از ویژگی‌های موضوع جرم محسوب می‌شوند؛ برای مثال، "منقول بودن" جزو شرایط مال، که موضوع جرم سرقت است، قلمداد می‌شود.

۴. شرط تحقق جرم کامل و شروع به جرم: احراز تحقق کامل موضوع جرم، شرط تحقق "جرم کامل" است و در مقابل تلاش برای دستیابی به موضوع جرم، شرط تحقق "شروع به جرم" محسوب می‌شود. (اردبیلی، ۱۳۹۷، ۱۴۸)

۵. نتیجه اقدامات اجرایی جرم: موضوع جرم، محصول و نتیجه انجام عملیات اجرایی جرم و گذر از مراحل مختلف آن است. شرایط و اوضاع و احوال نیز ممکن است متعلق فعل مجرمانه قرار گیرند، اما نحوه تشخیص آن‌ها از موضوع جرم، در این است که آن شرایط و اوضاع و احوال، به عنوان مقدمه‌ای برای رسیدن به هدف مجرم از ارتکاب جرم تلقی می‌گردند.

۶. تمایز با بزه دیده یا مجنی علیه: موضوع جرم، برخلاف تصور برخی، مساوی با "بزه دیده" یا "مجنی علیه" نیست. (خالقی، ۱۳۹۷، ۵۵) رابطه بین این مفاهیم، از نوع "عموم و خصوص من وجه" است. به عبارت دیگر، گاهی موضوع جرم همان بزه دیده است، و گاهی نیز بزه دیده موضوع جرم نیست.

با در نظر گرفتن توصیفات پیش گفته، می‌توان این استنباط را ارائه داد: «موضوع جرم عبارت است از آن عنصری (اعم از شیء، شخص، یا وضعیت حقوقی) که رفتار مجرمانه

مستقیماً بر آن واقع می‌شود و در عین حال، هدف اصلی و بلاواسطه مجرم از ارتکاب آن عمل است» مزیت این تعریف آن است که قابل تطبیق و انطباق با تمامی مصادیقی است که در بخش‌های پیشین مقاله برای توضیح جرایم مورد بحث قرار گرفتند.

۴. تعیین موضوع جرم در جرایم ناقص: ذهنیتی که مجازات را توجیه می‌کند

جرایم ناقص، در مقابل جرایم تام، به جرایمی گفته می‌شود که مرتکب، علی‌رغم انجام برخی عملیات اجرایی و تلاش برای حصول نتیجه مجرمانه، به دلایل ارادی از دستیابی به نتیجه (تحقق و یا خلق موضوع جرم) بازمانده است. شروع به جرم، جرم محال و جرم عقیم، نمونه‌هایی از جرایم ناقص هستند. با این توصیف آیا در شروع به جرم، موضوع نقشی ندارد؟ با تدقیق مفهوم شروع به جرم، این نتیجه به وضوح قابل استنباط است که شخص برای تحصیل موضوع جرم، اقداماتی انجام می‌دهد که از مرحله مقدماتی فراتر رفته و به دلایلی، در آخرین مرحله، تحقق جرم و اخذ نتیجه متوقف می‌شود. بنابراین، موضوع جرم در اینجا در قصد و ذهن مرتکب وجود دارد و فرض جهل به موضوع در شروع به جرم، قابل تصور نیست.

در جرم محال نیز هر چند که موضوع جرم وجود خارجی ندارد، یا وسیله و روش رسیدن به آن غیرممکن است. در عین حال در ذهن مرتکب، امری به عنوان موضوع جرم در نظر گرفته می‌شود که البته با واقعیت همخوانی ندارد؛ مانند تصور خرید با اسکناس جعلی در حالی که اسکناس واقعی است.

در واقع علت جرم تلقی شدن شروع به جرم، جرم عقیم یا جرم محال، این است که مرتکب اقداماتی را به منظور تحصیل موضوع جرم انجام داده است؛ یعنی مجرم به علت تلاش برای دستیابی به موضوع جرم و افشاء و ابراز حالت خطرناک اجتماعی خود مجازات می‌شود. بنابراین، برای محکومیت او، اثبات موضوع جرم نه در عالم واقع، بلکه در ذهن و اندیشه مرتکب اهمیت دارد. در نتیجه بدون مشخص کردن موضوع ذهنی، تعیین عنوان مجرمانه در شروع به جرم و سایر جرایم ناقص امکان‌پذیر نیست.

۵. رابطه موضوع جرم با سایر اجزای جرم: هسته مرکزی دادرسی کیفری

اثبات "موضوع جرم"، زیربنای هرگونه بررسی کیفری است. سایر مولفه‌ها، از جمله شرایط وقوع جرم، ابزار ارتکاب، عنصر روانی، و عوامل موجهه یا رافع مسئولیت کیفری، همگی در راستای این هدف قرار دارند که مشخص شود آیا موضوع جرم، مطابق با آنچه قانونگذار در نظر گرفته، شکل گرفته است یا خیر. بنابراین، هنگام انتساب اتهام، اولین گام، بررسی و احراز "موضوع جرم" است و سپس تحلیل سایر ویژگی‌ها و شرایط قانونی آغاز می‌شود. چرا که تا زمانی که وجود موضوع جرم (در جرایم تام) یا تلاش برای تحقق آن (در جرایم ناقص) به اثبات نرسد، لااقل از نظر اصول حقوق کیفری عملاً جرمی واقع نشده و بررسی سایر شرایط، بی‌معنا خواهد بود.

به عنوان مثال، در جرم قتل، اگر سلب حیات یا تلاش برای آن اثبات نشود، بررسی مسائلی مانند بی‌گناه بودن مقتول یا زنده بودن او در حین ارتکاب فعل مادی، فاقد اهمیت حقوقی است، زیرا موضوع اصلی جرم منتفی شده است. شرایط، اوضاع و احوال، و رابطه سببیت، نیز تنها زمانی به عنوان ارکان تشکیل‌دهنده جرم مورد توجه قرار می‌گیرند که موضوعی در عالم واقع تحقق یافته یا در شرف تحقق باشد. در جرم توهین نیز، اثبات استفاده از الفاظ و حرکات موهن، تنها زمانی در حقوق کیفری مؤثر است که مشخص شود در نتیجه آن، حیثیت و روان شخصی (به عنوان موضوع جرم) جریحه‌دار شده است. حال، با اشراف بر تعریف عام موضوع جرم و نقش بنیادین آن در مجموعه ساختمان یک جرم، باید به این سوال مهم پاسخ دهیم که چگونه این مفهوم در ذهن شهروندان و قضات قابل تشخیص و درک است؟

۶. فرایند شناخت موضوع جرم: از تبادر ذهنی تا واسطه‌گری مراجع تخصصی

چگونه ذهن شهروندان و قضات به حقیقت موضوع جرم پی می‌برد؟ این پرسش، کلید فهم عنصر روانی در متهم و وظیفه دستگاه عدالت کیفری در تطبیق رفتار مجرمانه با قانون است. فرایند شناخت موضوع، بسته به ماهیت موضوع، مسیرهای متفاوتی را طی می‌کند:

۱-۶.. تبادر ذهنی: وضوح بی‌نیاز از تفسیر

برخی موضوعات، آنچنان بدیهی و آشکارند که صرف تصورشان در ذهن، حکم به تحقق جرم را صادر می‌کند. در این موارد، هم شهروندان و هم قاضی، با مفهومی روشن و آشنا روبرو هستند. به عنوان مثال، در جرم «قطع اصله نخل خرما»، واژه «نخل» برای همگان معنایی مشخص و ملموس دارد و جای هیچ‌گونه ابهامی باقی نمی‌گذارد.

۲-۶. عرف: تکیه بر برداشت جمعی

گاهی، قانونگذار به مفهومی اشاره می‌کند که تعریف صریح آن نه در قانون آمده و نه در منابع شرعی. جرم «دایر کردن قمارخانه» نمونه‌ای از این دست است. «قمارخانه» موضوع این جرم است، اما تعریف مشخصی ندارد. در چنین مواردی، قاضی ناگزیر است برای تطبیق این مفهوم کلی با مصادیق خارجی، به «عرف» رجوع کند. مفهوم «قمارخانه» می‌تواند «مشکک» باشد؛ یعنی برخی مصادیق آن کاملاً واضح و قمارخانه محسوب می‌شوند، برخی دیگر با اندکی تأمل، نادرستی اطلاق قمارخانه بر آن‌ها آشکار می‌شود، و در نهایت، مواردی نیز وجود دارند که در شمول مفهوم قانونی بر آن‌ها، شک و تردید ایجاد می‌شود. در این مرحله، مراجعه به عرف الزام‌آور است و در صورت عدم وجود نظر مشخص عرفی، دیوان عالی کشور برای حل مشکل موضوع‌شناسی جرم، ناگزیر به مداخله خواهد بود.

۳-۶. منابع فقهی: رجوع به ریشه‌های شرعی

برخی موضوعات، دارای «حقیقت شرعی» هستند و برای فهم و تشخیص آن‌ها، باید به منابع شرعی مراجعه کرد. ماده ۶۴۴ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۰، «ازدواج با دختر غیر بالغ بدون اذن ولی» را جرم‌انگاری کرده است. از آنجا که در این ماده، مفهوم «غیر بالغ» مشخص نشده بود، قاضی کیفری برای فهم موضوع این جرم، ناچار به مراجعه به منابع فقهی بود.

۴-۶. مراجع تخصصی: واسطه‌گری علوم نوین

با پیشرفت علوم و فناوری‌های نوین، شناخت بسیاری از موضوعات از عهده عرف و حتی منابع فقهی خارج شده است. جرایم رایانه‌ای مصوب ۱۳۸۸، نمونه‌ای بارز از این دست هستند که هیچ سابقه عرفی و شرعی نداشته و فهم آن‌ها در حیطه تخصص متخصصان علم رایانه است. در این موارد، قاضی کیفری برای تطبیق مفهوم کلی موضوعی در قانون با مصادیق خارجی، لازم است نظر متخصصان را جویا شود.

علاوه بر این، خود قانونگذار نیز در بسیاری از جرایم، مراجع ویژه‌ای را برای موضوع‌شناسی تعیین کرده است:

- جرایم علیه محیط زیست و بهداشت: وزارت بهداشت
- جرایم مربوط به ضرب و جرح و آسیب‌های بدنی: پزشکی قانونی
- شناخت عتیقه و آثار باستانی: سازمان میراث فرهنگی
- شناخت مدارک و اسناد جعلی: کارشناس اسناد جعلی

این فرایند چندوجهی، نشان می‌دهد که شناخت موضوع جرم، به ویژه در مرحله تعیین واکنش‌های سرکوبگرانه و قهری امری پویا و وابسته به ماهیت جرم و تحولات جامعه است و نیازمند بهره‌گیری از ابزارهای شناختی گوناگون، از جمله تبادر ذهنی، عرف، منابع فقهی و دانش تخصصی است.

۷. موضوع جرم: معیاری برای سنجش کیفر

موضوع جرم، در کنار سایر مولفه‌های جرم، بر میزان مجازات تأثیرگذار است؛ زیرا ارزش و اهمیت هر یک از این موضوعات با دیگری متفاوت است. هر ماده قانونی، با دارا بودن موضوع جرم، حامل پیامی است که قانونگذار کیفری، خواستار حمایت و احترام مردم نسبت به آن است. بدون شک، ارزش این موضوعات یکسان نیست و هر یک در سطحی متفاوت از اهمیت قرار دارد. به عنوان مثال، ممنوعیت قاچاق عتیقه و ممنوعیت رابطه آزاد جنسی خارج از چارچوب خانواده، هر دو دارای مدلول خاصی هستند. عتیقه و حریم جنسی افراد، موضوع جرایم و در واقع موضوع تعهدات شهروندان نسبت به آن‌ها هستند. اما ارزش این تعهدات در جامعه دینی یکسان نیست و در نتیجه، نقض آن‌ها جامعه را به میزان یکسانی متأثر نمی‌کند. قاچاق عتیقه، هر چند در سطح وسیعی اتفاق افتد، تنها ضرر مادی و مالی برای جامعه دارد و تا حدودی می‌تواند جامعه را با فقر فرهنگی و تاریخی مواجه کند. اما رابطه آزاد جنسی که منجر به تولد افراد نامشروع گردد، اثری مستقیم بر فکر و روان فرد متولد شده می‌گذارد و با شخصیت انسانی افراد درگیر در جرم یا ناشی از آن عجین می‌گردد و تا لحظه مرگ، امکان جدایی از آن وجود ندارد. در حالی که ممکن است قاچاق عتیقه پس از چند روز فراموش شده و با کشف عتیقه‌ای دیگر، جای خالی آن پر شود. اما آیا فقدان احساس هویت و شخصیت در فرد متولد از زنا یا جنین سقط شده، به عنوان یک انسان بالقوه و مشخص، با تولد فرد دیگری قابل ترمیم است؟

بنابراین، با توجه به اینکه هر جرم‌انگاری، ایجاد نوعی تعهد برای التزام به مدلول آن است، هر تعهد موضوعی دارد که دارای ارزش خاصی است. هرچه ارزش آن تعهد از نظر وابستگی به شخصیت انسان‌ها بالاتر باشد، تعهد به آن موضوع از اهمیت و اعتبار بالاتری برخوردار است. در نتیجه، جامعه باید بین موضوعات مختلف تعهد، رتبه‌بندی قائل شده و حمایت‌های قانونی را متناسب با اهمیتی که موضوع تعهد از آن بهره‌مند است، ارائه دهد. (اسلامی‌نیا، ۱۳۹۵، ۱۳۰)

بنابراین موضوع جرم نقش بسیار حیاتی در تعیین شدت و نوع مجازات دارد. قانونگذار با توجه به ارزش و اهمیت قانونی، اخلاقی و اجتماعی موضوع جرم، مجازات‌های متفاوتی را در نظر می‌گیرد. قاعدتاً قانونگذار با یک دیدگاه جامع و دقیق به موضوع جرم نگاه کند و سعی نماید که در تدوین قوانین، تمام زوایا را در نظر بگیرد. این اشراف از چند جنبه قابل بررسی است:

۱. طبقه‌بندی و تفکیک دقیق: قانونگذار جرایم را بر اساس موضوع آن‌ها به دسته‌های مختلف (جرایم علیه اشخاص، اموال، امنیت، اخلاق عمومی و...) تقسیم‌بندی می‌کند (میرمحمدصادقی، همان، ۱۹) و برای هر دسته، اصول و مجازات‌های خاصی را تعیین می‌کند. این طبقه‌بندی نشان‌دهنده اشراف او بر تفاوت‌های ماهوی هر جرم است.
۲. تشدید و تخفیف مجازات: قانونگذار با در نظر گرفتن جزئیات مربوط به موضوع جرم، مواردی را برای تشدید (مثل سرقت مسلحانه یا سرقت از بانک) یا تخفیف مجازات (مثل رضایت بزه دیده در برخی جرایم) پیش‌بینی می‌کند. این انعطاف‌پذیری نشان‌دهنده درک عمیق از شرایط مختلف است.
۳. مجازات‌های تکمیلی و تبعی: علاوه بر مجازات اصلی، قانونگذار می‌تواند با توجه به موضوع جرم، مجازات‌های تکمیلی (مثل محرومیت از حقوق اجتماعی) یا تبعی (مثل سوء پیشینه) را نیز اعمال کند تا از تکرار جرم جلوگیری کرده و آثار آن را به حداقل برساند.
۴. توجه به ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی مرتبط با موضوع جرم: قانونگذار در هر جامعه‌ای، ارزش‌های غالب آن جامعه را در نظر می‌گیرد. مثلاً در جوامع مذهبی،

جرایم علیه مقدسات یا اخلاق عمومی به عنوان جرائمی با موضوعات مهمتر ممکن است مجازات‌های شدیدتری داشته باشند.

به هر حال قانونگذار با اشراف کامل به موضوع جرم (ارزش مال مسروقه و نحوه رفتار مجرم در تحصیل موضوع جرم)، شخصیت مجرم (انگیزه، سابقه) و شرایط دیگر، مجازات‌های کاملاً متفاوتی در نظر می‌گیرد. در واقع قانونگذار صرفاً به عمل مجرمانه نگاه نمی‌کند، بلکه به این که “چه چیزی” یا “چه کسی” و با چه ارزش خاصی مورد تعدی قرار گرفته، توجه ویژه‌ای دارد تا بتواند مجازاتی عادلانه، متناسب و بازدارنده تعیین کند. این دقیقاً همان نقطه ظریفی است که قوانین را مؤثر و کارآمد می‌سازد.



نتیجه‌گیری

موضوع جرم، به عنوان هسته مرکزی جرم، محور تحلیل تمامی ارکان جرم و مباحث مرتبط در حقوق کیفری را تشکیل می‌دهد. در همین راستا نوشتار حاضر با رویکردی سیستمی، به تبیین جایگاه و اهمیت موضوع جرم، هم به صورت مستقل و هم در نسبت با سایر اجزای جرم، پرداخت. درک دقیق موضوع جرم، شرط اساسی قانون‌گذاری صحیح، موجبی برای تشخیص رکن معنوی در جرایم عمدی، و لازمه صدور احکام قانونی است. ارزش و جایگاه موضوع جرم، ملاکی کلیدی در تعیین مجازات متناسب بوده و قانونگذار را ناگزیر به استمداد از مراجع تخصصی می‌نماید. با این وجود در صورت عدم رعایت شیوه‌های صحیح در تشخیص موضوع جرم، ممکن است دچار خطا شویم، همانگونه که در برخی تألیفات مورد نقد، این خطا رخ داده است. ارائه تعریفی واحد و بی‌نقص از موضوع جرم، صرفاً با در نظر گرفتن جرایم خاص، امکان‌پذیر نیست؛ زیرا تعریف مزبور، نتیجه نقش و جایگاه موضوع جرم در جرایم مختلف است که این نقش و جایگاه متفاوت می‌باشد. لذا برای شناسایی موضوع جرم، باید بر ویژگی‌های مشترک آن در جرایم مختلف تمرکز نمود تا بتوان تعریفی جامع و فراگیر از آن ارائه داد. این نوشتار کاملاً نظری بوده و می‌تواند در راستای پر کردن خلاء جدی در مباحث حقوق جزای عمومی مورد استفاده قرار گیرد. با این وجود، مباحث این مقاله در بردارنده چند پیشنهاد ذیل است:

۱. توسعه مباحث آکادمیک: گنجاندن مبحث «موضوع‌شناسی جرم و ویژگی‌های متنوع آن» به عنوان یکی از سرفصل‌های اصلی در دروس و متون حقوق جزای عمومی، برای ارتقاء دانش نظری در این حوزه ضروری است.
۲. ایجاد نهاد تخصصی: تشکیل «ستاد موضوع‌شناسی جرایم» به عنوان نهادی مشورتی در قوای تقنینی و قضایی، به منظور احراز ضرورت جرم‌انگاری، ارائه راهکارهای حمایتی مؤثر (کیفری و غیرکیفری) از موضوع جرم، و اخذ نظرات کارشناسی پیش از جرم‌انگاری، امری راهبردی است.

۳. اصلاح قوانین جزایی: با درک عمیق‌تر و جامع‌تر قانونگذار از جایگاه واقعی و ارزش‌های اجتماعی موضوع جرم، که خود مفهومی پویا و در نوسان با تحولات اجتماعی است، اصلاح قوانین جزایی یک ضرورت حیاتی محسوب می‌شود. این اشراف نه تنها به تدوین مقرراتی دقیق‌تر و متناسب‌تر با واقعیات جامعه منجر می‌گردد، بلکه امکان جرم‌انگاری هوشمندانه‌تر و تعیین مجازات‌هایی عادلانه‌تر را فراهم می‌آورد که بازدارندگی مؤثرتری داشته و اهداف عدالت کیفری را به بهترین نحو محقق سازد.

۴. بسط مفهوم در جرایم نوین: با توجه به ظهور جرایم نوین، لزوم بسط و توسعه مفهوم “موضوع جرم” در این حوزه و انجام پژوهش‌های کاربردی مرتبط، مورد تاکید قرار می‌گیرد. این مجموعه پیشنهادات، در راستای ارتقاء دقت، کارآمدی و جامعیت نظام حقوق کیفری در مواجهه با مفهوم بنیادین “موضوع جرم” ارائه شده است.

فهرست منابع

- ۱- اردبیلی، محمد علی، (۱۳۹۷)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، نشر میزان.
- ۲- آذربایجانی، علیرضا، عبدالله خانی، زینب، (۱۴۰۴)، نقش قضاوت عرفی در احراز رابطه سببیت در مسئولیت کیفری، دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری، بهار و تابستان، دوره ۲، شماره ۳، ص ۲۹-۵۷
- ۳- آقایی‌نیا، حسین، (۱۳۹۵)، جرایم علیه تمامیت جسمانی اشخاص، نشر میزان.
- ۴- آخوندی، محمود، (۱۳۸۹)، آیین دادرسی کاربردی ج ۵ تهران، نشر میزان.
- ۵- الهی منش، محمدرضا، مرادی اوجقاز، محسن، (۱۴۰۴)، حق بر مجازات نشدن؛ رویکردی نوین در کاربست پاسخ‌های کیفری، دو فصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری، بهار و تابستان، دوره ۲، شماره ۳، ص ۶۰-۱۰۴
- ۶- پور بافرانی، حسین، (۱۳۹۶)، جرایم علیه اشخاص انتشارات جاودانه.
- ۷- پیمانی، ضیاء‌الدین، (۱۳۸۰)، جرایم علیه امنیت و آسایش، تهران، نشر میزان.
- ۸- ساکی، محمد رضا، (۱۴۰۲)، حقوق کیفری اقتصادی، چ دوم، تهران، انتشارات جاودانه،
- ۹- سالاری شهر بابکی، میرزا مهدی، (۱۳۹۹)، تحلیل جرم جعل و تزویر، انتشارات جاودانه
- ۱۰- صادقی، محمد هادی، (۱۴۰۴)، جرایم علیه اشخاص، تهران، نشر میزان چ ۲۴.
- ۱۱- حبیب زاده، محمدجعفر؛ حسینجانی، بهمن؛ (۱۳۸۶)، موضوع و بزه دیده جرم سوء استفاده از ضعف نفس محجور، مجله علوم انسانی دانشگاه سمنان، س ۶، ش ۱۹.
- ۱۲- حبیب زاده، محمد جعفر، (۱۳۸۹)، اندیشه های حقوقی، تهران انتشارات بینه.
- ۱۳- حبیب زاده، محمد جعفر، (۱۳۸۹)، تحلیل جرائم کلاهبرداری و خیانت در امانت در حقوق کیفری ایران، تهران، نشر دادگستر.
- ۱۴- حسنی، محمدنجیب، (۱۹۸۴)، شرح قانون دالعقوبات اللبنانی، بیروت، دارالنهضة العربیه.
- ۱۵- خالقی، علی، (۱۳۹۷)، آیین دادرسی کیفری، جلد اول، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای حقوقی شهر دانش، چ ۳۷.
- ۱۶- فنایی، ابولقاسم، (۱۳۷۴)، فصلنامه ی نقدونظر.
- ۱۷- فلچر جورج پی، (۱۳۸۴)، مفاهیم بنیادین حقوق کیفری، ترجمه سیدزاده سیدمهدی، مشهد، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- ۱۸- قیاسی، جلال‌الدین، (۱۳۸۸)، تعدد نتیجه، فصلنامه‌ی حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره ۲۰.

- ۱۹- قیاسی، جلال‌الدین و همکاران، (۱۳۹۱)، مطالعه تطبیقی حقوق جزای عمومی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ سوم.
- ۲۰- مبلغی، (۱۳۸۸)، فصلنامه ره آورد نور فصلنامه اطلاع رسانی، آموزشی و مطالعات رایانه‌ای علوم اسلامی، شماره ۲۶ (پیاپی ۴۳).
- ۲۱- محسنی، مرتضی، (۱۳۸۲)، دوره‌ی حقوق جزای عمومی پدیده‌ی جنایی، ج دوم، انتشارات گنج دانش، چ دوم.
- ۲۲- محقق داماد، مصطفی، (۱۳۸۴)، قواعد فقه ۴، تهران، مرکز نشر علوم انسانی.
- ۲۳- میر محمد صادقی، حسین، (۱۴۰۳)، جرایم علیه اموال و مالکیت، نشر میزان، چ ۶۵.
- ۲۴- میرمحمد صادقی، حسین، (۱۳۹۷)، جرایم علیه امنیت و آسایش، نشر میزان، چ ۳۶.
- ۲۵- منصورآبادی، عباس، (۱۳۸۲)، موضوع جرم در باب جرایم علیه اموال، اندیشه‌های حقوقی، سال اول، شماره چهارم، ۱۰۳-۱۳۲.



References

- 1 Ardabili, Mohammad Ali, *General Criminal Law*, Vol. 1, Mizan Publishing. (2018) (in Persian)
- 2 Azarbaijani, Alireza, & Abdollah Khani, Zeinab, "The Role of Customary Adjudication in Establishing Causality in Criminal Liability," *Biannual Journal of Research and Development in Criminal Law*, Spring & Summer 2025, Vol. 2, No. 3, pp. 29-57 (in Persian)
- 3 Aghaeinia, Hossein, *Crimes Against the Physical Integrity of Persons*, Mizan Publishing. (2016) (in Persian)
- 4 Akhoundi, Mahmoud, *Applied Criminal Procedure*, Vol. 5, Tehran, Mizan Publishing. (2010)
- 5 Elahimanesh, Mohammad Reza, & Moradi Oujghaz, Mohsen, "The Right Not to Be Punished; A New Approach in Applying Penal Responses," *Biannual Journal of Research and Development in Criminal Law*, Spring & Summer 2025, Vol. 2, No. 3, pp. 60-104 (in Persian)
- 6 Pour Bafrani, Hossein, *Crimes Against Persons*, Jāvidāne Publications. (2017) (in Persian)
- 7 Peymani, Ziaoddin, *Crimes Against Security and Public Order*, Tehran, Mizan Publishing. (2001)
- 8 Saki, Mohammad Reza, *Economic Criminal Law*, 2nd ed., Tehran, Jāvidāne Publications. (2023) (in Persian)
- 9 Salari Shahbabaki, Mirza Mehdi, *Analysis of Forgery and Counterfeiting Crimes*, Jāvidāne Publications. (2020) (in Persian)
- 10 Sadeghi, Mohammad Hadi, *Crimes Against Persons*, Tehran, Mizan Publishing, 24th ed., 2025 (in Persian)

- 11 Habibzadeh, Mohammad Jafar, *Legal Thoughts*, Tehran, Bineh Publications. (2010)
- 12 Habibzadeh, Mohammad Jafar, *Analysis of Fraud and Embezzlement Crimes in Iranian Criminal Law*, Tehran, Dadgostar Publishing. (2010)
- 13 Habibzadeh, Mohammad Jafar, & Hoseinjani, Bahman, "The Subject and Victim of the Crime of Undue Influence on the Weakness of the Mentally Incapacitated," *Journal of Humanities of Semnan University*, Vol. 6, No. 19, Autumn 2007 (in Persian)
- 14 Hassoun, Mohammad Najib, *Commentary on the Lebanese Penal Code*, Beirut, Dar al-Nahda al-Arabiya, 1984 (in Arabic)
- 15 Khaleghi, Ali, *Criminal Procedure Law*, Vol. 1, Danesh Legal Research and Studies Institute, 37th ed., 2018 (in Persian)
- 16 Fanayi, Abolqasem, *Journal of Criticism and Opinion*, 1995 (in Persian)
- 17 Fletcher, George P., *Basic Concepts of Criminal Law*, Translated by Seyedzadeh, Seyed Mehdi, Mashhad, Razavi Islamic Sciences University Press. (2005)
- 18 Qiyasi, Jalal al-Din, "Multiple Consequences," *Journal of Islamic Law*, Vol. 5, No. 20, 2009 (in Persian)
- 19 Qiyasi, Jalal al-Din, et al., *A Comparative Study of General Criminal Law*, Seminary and University Research Institute, 3rd ed., 2012 (in Persian)
- 20 Moblaghi, *Rahavard-e Noor Journal of Information, Education, and Computer Studies of Islamic Sciences*, No. 26 (Serial No. 43), Spring 2009 (in Persian)
- 21 Mohseni, Morteza, *General Criminal Law: The Phenomenon of Crime*, Vol. 2, Ganj-e Danesh Publications, 2nd ed., 2003 (in Persian)
- 22 Mohaqeq Damad, Mostafa, *Fiqh Rules 4*, Tehran, Center for Human Sciences Publication. (2005) (in Persian)

- 23 Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, *Crimes Against Property and Ownership*, Mizan Publishing, 65th ed., 2024 (in Persian)
- 24 Mir Mohammad Sadeghi, Hossein, *Crimes Against Security and Public Order*, Mizan Publishing, 36th ed., 2018 (in Persian)
- 25 Mansourabadi, Abbas, "The Subject of Crime in Crimes Against Property," *Legal Thoughts*, Vol. 1, No. 4, pp. 103-132, 2003 (in Persian)

